

اجبار به کار خانگی، شکلی از خشونت است

Photo: Voy/Bigstock.com

محسن فرشیدی

هر ساله و با نزدیک شدن به ایام نوروز موضوع خانه‌تکانی و به صورت کلی کار خانگی نیز به یکی از بحث‌های روز، میان خانواده‌ها و همچنین فعالین اجتماعی تبدیل می‌شود. جامعه‌شناسان و فعالین برابری‌خواه جنسیتی هر سال و با استفاده از این فرصت به معضلات و مشکلات کارهای خانگی می‌پردازند. یکی از این اقدامات نوشتن از تجربه‌های تلخ و شیرین کار خانگی است. اما موضوعی که این میان حائز اهمیت است پیدا کردن پاسخ به سوال‌هایی از جمله این که چرا عموماً کار خانگی در جوامع مردسالار یک کار زنانه تصور می‌شود است. یا این که به کار خانگی باید به شکل یک شغل نگاه شود؟ و یا این که چه مقدار از زنان با انتخاب خود و با علاقه، مسئولیت کارهای خانه را به عهده می‌گیرند؟

یکی از گروه‌های فعال در شبکه‌های اجتماعی که به موضوع کار خانگی می‌پردازد «صفحه کار خانگی» نام دارد. این صفحه در معرفی خود می‌نویسد: «موضوع کار خانگی موضوع مهمی است که معمولاً کمتر از آن نوشته می‌شود. کارهایی که معمولاً بی‌هیچ مزد و منتی توسط زنها انجام می‌شود، و هر چند که «امروزه در انجام کار خانگی، مردان هم به زنان کمک می‌کنند، اما همان‌طور که از جمله قبل هم پیداست مردان فقط» کمک می‌کنند، و همچنان اعتقاد راسخ و محکمی وجود دارد که این کارها اساساً وظیفه زنان است. در این جا می‌خواهیم از کار خانگی بخوانیم؛ از چیزی که معمولاً به سادگی از کنارش رد می‌شویم. «این گروه اینترنتی در انتها تأکید می‌کند که «کار خانگی، وظیفه همه اعضای یک خانه است؛ نه لطفی همیشگی از جانب زنان. «این صفحه در شبکه‌های اجتماعی از جمله **فیسبوک** و **تلگرام** نیز به مانند سال‌های گذشته در فراخوانی از مخاطبان خود خواست با نزدیک شدن به سال جدید از کار خانگی بنویسند و توجه عموم را از این طریق به این موضوع جلب کنند.

برای پاسخ به پرسش‌های مرتبط با کارخانگی و واکاوی این موضوع مصاحبه کرده‌ام با نجمه واحدی، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و فعال حقوق زنان ساکن ایران که در زمینه کار خانگی مطالعات و فعالیت‌هایی در سال‌های گذشته داشته است. این مصاحبه که در دو بخش تنظیم شده است سعی می‌کند به رابطه میان کار خانگی، حق انتخاب، اجبار و خشونت بپردازد.

خانم واحدی به عنوان اولین سوال لطفاً بگویید چرا موضوع کار خانگی مهم است و باید به آن توجه شود؟

به باور من، نابرابری و تبعیض‌های جنسیتی به هر کجا ختم شود، بدون شک از تبعیض و نابرابری در کار خانگی آغاز شده‌اند. همه ما در یک خانه و در کانون یک خانواده زندگی کرده‌ایم و اگر فرهنگ جامعه ما بیش‌تر به سمت نابرابری‌های جنسیتی متمایل بوده است، این به این معناست که کلیشه‌های جنسیتی را از همان آغاز زندگی‌مان در خانه و در رابطه با کار خانگی، تجربه کرده‌ایم. فرهنگی که کلیشه‌های جنسیتی را به رسمیت می‌شناسد، عموماً کار خانگی که در حریم شخصی خانه اتفاق می‌افتد، و مجموعه‌ای از کارهای روتین خدماتی را از جمله پختن و شستن و مرتب کردن، و همچنین مراقبت و تأمین رفاه و آسایش اعضای خانه است، وظیفه اصلی «زنان» می‌داند. در واقع فرهنگ‌های جنسیت‌زده، نقش اصلی جنس زن را، پیش از هر چیز در «همسر و مادر» بودن او می‌دانند و پیوندش با خانواده؛ که البته این دو نقش ارتباط مستقیم و تنگناگی با کار خانگی دارند، و در مراحل بعدی و هنگامی که زنان از پس این دو نقش خود به خوبی برآمدند می‌توانند در جامعه انسانی نیز، حضور اجتماعی داشته باشند و نقش‌آفرینی کنند. می‌بینیم که در پرداختن به تبعیض‌های جنسیتی نمی‌توان نقش پررنگ کار خانگی را نادیده گرفت یا آن را کم‌اهمیت انگاشت.

چرا عموماً در جوامع مردسالار، کارهای خانگی کاری زنانه تصور می‌شوند؟

دلیلی که عموماً برای چنین تقسیم کاری فرض گرفته می‌شود، سبک‌تر و ساده بودن کار خانگی در قیاس با سخت و تخصصی بودن مشاغل بیرون از خانه است - و ذهنیت جامعه مردسالار هم بر ناتوان‌تر بودن زنان و توانمندی بالاتر مردان، شکل گرفته است - که البته چنین دلیلی بسیار ساده‌انگارانه است، چرا که هر روزه و تکراری شدن چنین کار خدماتی‌ای هرچقدر هم از پیچیدگی و تخصصی بودن آن بکاهد، اما آن را به کاری ساده و سبک بدل نمی‌کند و همچنان این کار انرژی‌بر و وقت‌گیر است. کما این که بعضی از کارهای خانگی مانند مدیریت یک مهمانی به صرف غذا، یا مراقبت از کودکان و سالمندان، یا تیمارداری از بیماران - که به شکل سنتی جزء وظایف تعریف‌شده در یک خانه بوده - کارهای سنگین و نسبتاً تخصصی‌ای هستند و نیاز به کسب مهارت دارند.

آیا ارتباطی میان دوگانه «زنان در خانه و مردان در اجتماع» در این تصور که کار خانگی، کاری مختص زنان است وجود دارد؟

می‌توان گفت یکی از دلایلی اصلی برای زنانه پنداشتن کار خانگی، انجام گرفتن این کارها در حوزه خصوصی خانه است. همان‌طور که می‌دانیم، در دوگانه عمومی/خصوصی، نظام‌های تبعیض جنسیتی عموماً مردان را در قلمروی عمومی جامعه فرض می‌گیرند و زنان را در قلمروی خصوصی. از این رو، خانه، که حریمی خصوصی در زندگی اعضای جامعه تصور می‌شود، محل مناسبی است برای حضور زنان و کارهایی که در این قلمرو صورت می‌گیرد هم عموماً به عهده زنان گذاشته می‌شود.

آیا می‌توان گفت از آن جایی که کارهای خانگی، کارهایی نه چندان اقتصادی و باارزش محسوب می‌شوند، در یک جامعه که مردان در اولویت مشاغل پرسود هستند، زنان مجبور به کارهای خانگی می‌شوند؟

نمی‌توان منزلت پایین‌تری که کار خانگی به نسبت مشاغل دیگر دارد را نادیده گرفت. کار خانگی عموماً مجموعه‌ای از کارهای کم‌ارزش، بی‌منزلت اجتماعی، بی‌اجر و دست‌مزد و ساده و غیرتخصصی محسوب می‌شوند و همان‌طور که جامعه کارهای با منزلت پایین‌تر را برای شهروندان درجه دوم مناسب می‌داند، نظام استوار بر تبعیض جنسیتی هم کار خانگی را مناسب جنس دوم جامعه می‌داند. البته شاید موارد دیگری نیز در زنانه پنداشتن کار خانگی موثر باشند، که این‌جا از قلم افتاده‌اند.

آیا زنان عموماً کار خانگی را انتخاب می‌کنند، یا به آن‌ها تحمیل می‌شود؟

به طور کلی و در شرایط عموماً تبعیض‌آمیز فرهنگ عرفی جامعه ما، کار خانگی برای زنان یک «انتخاب» نیست. نه تنها زنان غیرشاغل، بل که بسیاری از زنان شاغل ما هم از انجام کار خانگی به عنوان یکی از وظایف اصلی خود، هیچ راه‌گزینی ندارند. در واقع فرهنگ عمومی جامعه بر مشارکت و تقسیم کار کامل کارهای خانگی در یک خانه بنا نشده، بل که عموماً مردان در بهترین حالت به زنان در انجام کار خانگی «کمک» می‌کنند، به این معنا که کار خانگی را هم‌چنان وظیفه اصلی او می‌دانند، حتی در حالی که زن شاغل باشد، و حتی در حالی که ساعات کار او بیرون از خانه بیشتر از مرد باشد.

چه ارتباطی میان کار خانگی و خشونت خانگی وجود دارد؟

از آن‌جا که استفاده از کلمه «خشونت» همیشه با مصادیقی مانند ضرب و شتم و آزار و اذیت‌های شدید همراه بوده، غالب اعضای جامعه، اشکال خفیف‌تر آن را که اتفاقاً در بلندمدت اثراتی چه بسا مخرب‌تر از ضرب و شتم فیزیکی دارند، خشونت به حساب نمی‌آورند. اما با در نظر گرفتن این که خشونت خانگی، به انواع مختلفی از جمله خشونت فیزیکی، خشونت روانی، خشونت اقتصادی، و خشونت جنسی تقسیم می‌شود می‌توان گفت آن‌چه ما در تحمیل شدن کار خانگی به زنان با آن مواجهیم می‌تواند انواعی از خشونت‌ها، از جمله اجتماعی، اقتصادی، روانی و حتی با در نظر گرفتن این که کار خانگی به مرور زمان آسیب‌های جسمانی و تحلیل بردن توان فیزیکی فرد را به همراه دارد، شکلی از خشونت جسمی هم محسوب شود. خشونت‌هایی که لزوماً با کتک زدن اعمال نمی‌شود، اما در بلندمدت سلامت فرد را از بین می‌برد. خشونت خانگی‌ای که شاید فاعل مشخصی ندارد و شاید نتوان گفت که به طور مثال در یک خانه پدر خانواده است که با کار خانگی به مادر خانواده اعمال خشونت می‌کند، بلکه این فرهنگ عمومی جامعه است که خشونت‌گر اصلی است و تک‌تک اعضای جامعه اعم از پدر، مادر، فرزندان و اطرافیان هر خانواده هم در اعمال شدن و بازتولید آن نقش دارند.

فکر می‌کنید شبکه‌های اجتماعی و کمپین‌های مجازی چه تاثیری در ترویج این نگاه که کار خانگی، کار مشترک زنان و مردان است خواهند داشت؟

رسانه‌ها یکی از منابع آگاهی‌بخش مهم در زندگی روزمره اعضای جامعه شده‌اند. بسیاری از مردم، جای خالی مطالعه و کتاب‌خوانی و روزنامه‌خوانی خود را با خواندن مطالبی که در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌چرخند، پر می‌کنند. آگاهی‌بخشی و توجه نشان دادن به حوزه‌های مختلف مسائل جنسیت، از جمله کار خانگی و تاکید بر زنانه‌پنداشتن آن، می‌تواند در شبکه‌های اجتماعی هم مفید فایده باشد و مانند خواندن کتاب و مجله، در فضای مجازی نقش خود را ایفا کند. که البته استقبال عموم جامعه از این مسائل، نیازمند این پیش‌زمینه است که ابتدا، خود فعالان و دغدغه‌مندان این حوزه، با نگاهی کارشناسانه ابعاد مختلف این موضوع را برای مخاطب عام باز کنند و نسبت به آن‌ها توجه نشان دهند. به عبارتی چنین مسائلی باید ابتدا توسط خود فعالان به یکی از گفتمان‌ها یا موضوعات روز بدل شود، تا عموماً اعضای جامعه هم نسبت به آن حساس‌تر شوند.

بخش دوم این مصاحبه به زودی در وبسایت خانه امن منتشر می‌شود.